



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۴/۰۴

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم »

محتویات

۱- حدیث اخلاقی روز چهارشنبه

۱.۱- سه وسیله سلوک

۱.۲- چهار راه کمال

۲- خلاصه جلسه گذشته

۳- ضمان بیمار

۳.۱- اقوال در ضمان بیمار

۳.۲- نظر استاد

۳.۳- انواع ضرر

۳.۴- ادله نظر استاد

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل کرونا /ضمان بیمار در سرایت

۱- حدیث اخلاقی روز چهارشنبه

روز چهارشنبه است و اوایل ماه ذیقعدہ الحرام ان شاءالله به حق اولیای الهی و حضرت معصومه سلام الله علیها که مکان درس بحمدالله در نزدیکترین جا به حرم مطهر ایشان است عرض می کنیم:

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ
خَدِيجَةَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ
مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

السَّلَامُ عَلَیْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ. [۱]

با ادب زیارتی حضرت سلام می‌دهیم. نکند روزی بر ما طلاب
قمی بگذرد و سلامی به حضرت ندهیم. سلام بر ائمه علیهم
السلام و بر ایشان را در زندگی سیر و سلوکی مان نهاده‌ین کنیم.

۱.۱- سه وسیله سلوک

عنوان توصیه اخلاقی امروز فرازی از فرمایش‌های امام سجاد زین
العابدین و زین الساجدین علیه السلام است:

از صحیفه ایشان دعای ۵۲ ام فرازی انتخاب شده است:

و کان من دعائه فی الالاحاح علی الله

همه اصرارها ممنوع است در اسلام ولی اصرار برای آموزش و
مغفرت برای سیر و سلوک در پیشگاه حضرت حق مطلوب است.
گفتیم ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [۲] قضیه منحصره
حصر خشیت برای علمای بالله است. عالم بالله عرض کردیم
صفتش این است که کردارش با گفتارش یکی است. فعلش قولش
را تصدیق می‌کند و قولش فعلش را تصدیق می‌کند. این معیار
عالمی است که اهل خشیت است.

سُبْحَانَكَ! أَخْشَى خَلْقَكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، وَ أَخْضَعُهُمْ لَكَ
أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ، وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَیْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ.

[۳]

سبحانک هم اثبات دارد و هم تنزیه. خدایا تو از همه صفات
نقص مبرا هستی و به صفات جمالیه و کمالیه متصف هستی.

سه مطلب مهم را اظهار می‌کنند که به عرض بنده این سه، سه وسیله و ابزار سیر و سلوک است:

(۱) **اخشی خلقک لک**: کسی از همه خشیتش از تو بیشتر است که داناترین به تو باشد. اگر بخواهیم خشیتمان بیشتر بشود باید بکوشیم کفه علمی‌مان بیشتر بشود. افزایش علم همراه است با افزایش خشیت. باید دانایی و دارایی علمی ما بیشتر بشود.

(۲) **و اخضعهم لک**: همه مخلوقین خدا در خشیت و خضوع مسابقه‌ای گذاشته‌اند. خاضع‌ترین برای تو کوشاترین در طاعت تو هستند. هرچه طاعتمان بیشتر باشد، جزو خاضع‌ترین افراد هستیم. ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾. [۴] در سوره اسرا خطاب به آقا رسول الله صلی الله علیه و آله جامع خلق و خُلق می‌شود شاکله. بکوشیم در طاعت الهی. طاعت نسبت به عبادت اخص است. هر مطیعی عابد هم هست ولی هر عابدی مطیع نیست. شیطان عابد بود ولی مطیع نبود. مقام اطاعت خاص است. این هم وسیله دوم سیر و سلوک ما.

(۳) **و اهونهم علیک**: اینجا خارت‌ترین مردم را فرمود. سبک‌سر و خار کسی که تو او را روزی دادی ولی او غیر تو را عبادت می‌کند. اعوذ بالله من سیئات اعمالنا و شرور انفسنا. کسی که توجه به رزقش کند تخلف نمی‌کند. اینکه چه کسی روزی می‌دهد. انسان اگر غیر رازق را عبادت کند جفا کرده است. ﴿مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾. [۵] کسی که خدایش هوایش باشد غیر خدا را عبادت کرده است. بکوشیم عالم‌تر باشیم تا خشیتمان بیشتر باشد، بکوشیم تا خاضع‌تر باشیم تا طاعتمان بیشتر باشد و بکوشیم سبک‌سری نکنیم با فرمان‌بری هوای نفس.

در عربی هوا را هوا می‌گویند چون فرود آورنده است و انسان را به زمین می‌زند.

برای خشیت و علممان تلاش کنیم. سعی کنیم در این ﴿سارعوا﴾ [۶] و ﴿سابقوا﴾ [۷] که در آیات شریفه قرآن هست ان شاء الله پیروز بشویم که جز به تهجد و توسل و توکل و تقوا به چیز دیگری میسر نشود.

در یکی از کلمات نوشتیم: خوشا آنان که تاهای سیر و سلوک را جامعند: تای تهجد و تای توکل و تای تقوا و تای توسل است. این چهار تای دخیل در کمال انسان است. رزقنا الله ان شاء الله ایانا و ایاکم.

۲- خلاصه جلسه گذشته

در خارج فقه رسیدیم به احکام وضعیه و تکلیفیه مربوط به بیماری کرونا. این دو حکم گاهی از هم جدا می‌شوند و گاهی یکی هستند.

خلاصه این شد که موضوع مسائل مستحدثه مشخص شود احکامش مشخص می‌شود که قابل استخراج است. در بیماری‌های مسری و کرونا که مورد بحث بود به اینجا رسیدیم که قرنطینه لازم است. قرنطینه و مراقبت‌های ویژه از آیات و روایات قابل استفاده است. آیه تهلکه مراقبت‌های فردی و اجتماعی را نهادینه می‌کرد. ضمانت طبیب را مطرح کردیم. اکنون درباره ضمان بیمار بحث می‌کنیم.

۳- ضمان بیمار

ضمانت دیگر این است که آیا مریضی‌هایی که باعث تعدی به دیگران است و باعث ضرر و زیان به آنان است، ضمان دارد یا خیر؟ دو ضمان مطرح است ضمان طبیب که گذشت و ضمان مریض که باید بحث شود.

آیا هر کس که سبب مریضی دیگران بشود و باعث ضرر و زیان آنها شود به طور مطلق ضامن است و یا مطلقا ضامن نیست و یا فرق است بین عامد و غیر آن مانند ناسی و جاهل؟

کسی در جمع آمده و بخاطر مریضی عده‌ای را گرفتار کرده و سبب مریضی دیگران شده است، ضمانت او چقدر است؟ اگر می‌دانست که بیمار است و بیماری‌اش مسری است یعنی موضوع را می‌دانست، در اینجا فقط ضمانت دارد؟ یعنی فقط اگر از روی عمد و علم بود ضامن است و گرنه خیر و یا به طور مطلق ضامن است؟

احتمالات است که فروع فقهی را مشخص می‌کند؟ به فرض اینکه بگوییم ضامن است تدارک ضرر اطلاق دارد و یا اطلاق ندارد؟ اگر مباشر باشد تدارک دارد و یا سبب را هم شامل است؟ اقوال مختلفی بیان شده است. چون باید به موضوعات بیشتری برسیم خلاصه می‌کنیم:

۳.۱- اقوال در ضمان بیمار

۱. ضمان برای مباشر است؛
۲. ضرر و زیان جایی اثر دارد که ضرر غالبی باشد؛
۳. برخی بین مباشر و سبب و مسبب به سبب غالب و غیر آن نمی‌گذارند.

مثال برای وضوح مسأله

گاهی چاقوی کشنده دستش است و با آن فرد را کشته است. گاهی فرمان به قتل می‌دهد و گاهی خودش کشته است. گاهی ابزار آلات دست او معمولاً قتاله نیست مانند چوب که به مخچه فرد خورد و باعث قتل شد.

۳.۲- نظر استاد

در دیات و کتاب حدود فروعش را منقح بیان کردیم که قاعده لا ضرر اطلاق دارد. من اتلف مال الغير به عنوان قاعده اطلاق دارد. ما برای مطلقات اهمیت خاصی قائل هستیم. تا مطلقات تخصیص نخورده‌اند نظرم‌ان این است که قاعده کلی جاری است. کار فقیه هم یافتن همین مخصصات است.

به عنوان موجه کلیه گفتند فهو ضامن. مقتضای جمع بین ادله دیات و حدود که در جای خود باید بحث شود و دلیل لا ضرر و قاعده من اتلف مال الغير، همه اینها کنار هم و از سویی نهی از القای خود و غیر در تهلکه؛ این نتیجه به دست می‌آید که به نظر ما تفاوتی بین این ضررها نیست. چه عامد چه جاهل چه ضرر، معتنا به باشد و یا نباشد، چه ضرر مربوط به علاج باشد و یا غیر آن همه مشمول قاعده لا ضرر می‌شود.

مرحله سوم مثال بزنیم:

کسی به هر دلیلی ضرر به کسی زده است مثلاً در خواب پایش را بلند کرده و باعث شکستن ظرف قیمتی کسی شده است، ضامن است. بچه‌ای کنارش خواب بود خانمی دایه بود که سابق زیاد اتفاق می‌افتاد، پا یا دستش روی بچه افتاد و خفه شد. در خواب یا بیداری قاعده لا ضرر اطلاق دارد.

۳.۳- انواع ضرر

گاهی نقص‌های عضوی و غیر عضوی وارد می‌شود که دائر مدار چند جهت است:

(۱) آیا بین معیب و غیر معیب نقص قیمت هست که معمولاً وارد می‌شود.

(۲) گاهی بین معیب و غیر آن تفاوت قیمتی نیست. مثلاً بدون نقش و نگار هم آن را می‌خرند. طلای خاص کمتر از طلای کار شده نیست مثلاً.

(۳) گاهی ضرر و زیان دارد شده است و ارزش بیشتری پیدا کرده است. زمان سابق برای خادم‌هایی که به حرمسراها رفت و آمد داشتند عقیم می‌کردند تا موضوع منتفی شود و مشکلی رخ ندهد. غلام خواجه قیمت داشت. اگر کسی را عقیم کرد و ارزش بیشتری برایش ایجاد شده است. در کشوری که مبارزه با جمعیت

می‌کنند عقیم بودن کمال است ولی در کشورهای دیگر نقص است.

آیا می‌توان مبارزه با جمعیت کرد در روایت نبوی داریم: **انی اباهي بكم الامم يوم القيامة حتى بالسقط** [۸] روزی‌رسان خداست. نسبت به حیطة کاری فرد کمالی وارد شده است. آیا اینجا ضمان هست یا نیست؟ به لحاظ عیب ضمان دارد و به لحاظ ارزش افزایش یافته است.

از دیدگاه ما روزی کسی را مبتلا به مریضی پیدا کرده است، خرج درمان را باید بدهد یا علاوه بر آن مخارج دیگر را هم باید ضمانت کند. هم باید هزینه درمان بدهد و هم هزینه خورد و خوراک و درآمدش را. در ۱۵ روز قرنطینه ضمان مریضی او را دارد یا توابعش را هم دارد. در این مسأله طبیب هم شریک است. اگر آمپول عوضی بزند گاهی عمری مبتلا می‌شود، هزینه عمرش را باید بدهد یا خیر؟ دیه و تعزیر خاص اگر باشد باید همان را ضمانت کند ولی اگر توابع بود باید آن را هم تأمین کند. تنها اختصاص به دیه عضو خاصی که نقص بدان وارد شده نیست.

۳.۴- ادله نظر استاد

ادله قول ما این شد:

از جمع بین ادله ضرر، دیات و حدود به این نتیجه رسیدیم هم دیه معیب و صحیح را باید بدهد و هم ضررهایی که باید ازکارافتادگی می‌شود باید بدهد. ما سبب را هم سبب غالب نمی‌دانیم. گرچه مشهور فقها بویژه صاحب جواهر چنین می‌گویند: **ولم أجد خلافا صريحا في ذلك إلا من المحكي عن ابن إدريس والتحرير**. [۹]

به خاطر قاعده لا ضرر به این نتیجه رسیدیم که ضامن تمام هزینه‌ها است.

ما عرضمان این است که اطلاق دارد و حدیثی که از حضرت
امیر علیه السلام خواندیم:

محمد بن یعقوب ، عن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ،
عن السكوني ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قال أمير المؤمنين
عليه السلام : من تطيب أو تبيطر فليأخذ البراءة من وليه ، وإلا فهو
له ضامن. [۱۰]

عن السكوني ، عن جعفر ، عن أبيه ، أن عليا عليه السلام ضمن
ختانا قطع حشفة غلام. [۱۱]

همه ضررها را می گیرد در نتیجه اگر مریضی دیگری را مبتلا کرد
هم باید علاجش را ضمانت کند و هم توابعش را. گرچه تعددا
نباشد. از همه دولت ها و ملت ها که تربیون دارند تقاضا داریم این
مسائل را برای مردم تبیین کنند. وقتی در یک بیماری موضوع
مسلم شد، احکامش به دنبال می آید.

برخی جاها حرمت هست حکم تکلیفی که هست حکم وضعی
هم هست. ضمانت حکم وضعی است.

گاهی مشاور هم اگر مسبب امری شود ضمان دارد. مثلا توصیه
به جدایی کند.

[۱] کلیات مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس، ج ۱، ص ۵۶۳.

[۲] فاطر/سوره ۳۵، آیه ۲۸.

[۳] الصحيفة السجادية - ط الهادی، ترجمه غرویان، محسن؛

ابراهیمی فر، عبدالجواد، ج ۱، ص ۲۵۴.

[۴] اسراء/سوره ۱۷، آیه ۸۴.

[۵] جاثیه/سوره ۴۵، آیه ۲۳.

[۶] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۳۳.

[۷] حدید/سوره ۵۷، آیه ۲۱.

[۸] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۲۰، ص ۵۵، أبواب

مقدمات النكاح وآدابه، باب ۱۷، ح ۲، ط آل البيت.

[۹] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن،

ج ۲۷، ص ۳۲۴.

[۱۰] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۲۹، ص ۲۶۰،

أبواب موجبات الضمان، باب ۲۴، ح ۱، ط آل البيت.

[۱۱] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۲۹، ص ۲۶۱،

أبواب موجبات الضمان، باب ۲۴، ح ۲، ط آل البيت.

